



دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده الهیات

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته:

الهیات: گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

ماهیت و مبانی اخلاق از دیدگاه نیچه و علامه طباطبایی.

استاد راهنما:

دکتر اعلی تورانی

دانشجو:

کلثوم محمودی بردزردی

مهر ماه ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده الهیات

پایاننامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته:

الهیات: گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

ماهیت و مبانی اخلاق از دیدگاه نیچه و علامه طباطبایی.

استاد راهنما:

دکتر اعلی تورانی

استاد مشاور:

دکتر نرگس نظرنژاد

دانشجو:

کلثوم محمودی بردزردی

مهرماه ۱۳۹۱

«کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهراء می باشد».

تقدیم:

به برادرم (سعید) ، به مشوق و حامی راستینم، کسی که وجود نایش مرا مشتاق آموختن کرد.

تشکر و قدردانی:

سپاس خدایی را که اشراق وجودش، روشنگر راهم شد؛

قدردان پدر و مادری هستم که حرارت وجودشان گرمابخش زندگیام شد؛

با تشکر ویژه از اساتید عزیزی که مرا بی دریغ یاری نمودند؛

و بینهایت سپاس از همسر شایسته‌ی احترامم .

چکیده

یکی از مسائل مهم و قابل توجه در حوزه‌ی مسائل کلامی، مسئله‌ی اخلاق است. بیشتر فلاسفه‌ی غرب و شرق به این موضوع پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر، دیدگاه دو فیلسوف صاحب‌نظر در این زمینه، نیچه و علامه طباطبایی را مورد بررسی قرار داده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که دیدگاه نیچه در باره‌ی اخلاق، یک دیدگاه انتقادی و حاکی از مخالفت وی با دیدگاه‌ها و ارزشهای اخلاقی رایج است. نیچه خواهان آن است تا اخلاقی نو در تضاد با ارزشهای برآمده از مفاهیمی چون خدا، دین، رُعدوستی و... ارائه دهد؛ در حالی - که علامه طباطبایی، اصول اخلاقی را پیرامون اخلاق فضیلت‌محور و اخلاق مبتنی بر محور خداواری و دین، ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی:

اخلاق، نسبی‌گروی اخلاقی، مطلق‌گروی اخلاقی، اخلاق فضیلت‌محور، دین‌باوری، نیچه، علامه طباطبایی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

..... ۱

۱- فصل اول: کلیات و تعاریف

..... ۲

۱-۱- مقدمه

..... ۳

۱-۲- پرسش‌های پژوهش:

..... ۳

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش:

..... ۴

۱-۴- پیشینه ی پژوهش:

..... ۵

۱-۵- ضرورت و اهمیت پژوهش

..... ۶

۱-۶- اخلاق و علم اخلاق:

..... ۶

۱-۷- حکمت نظری و حکمت عملی

..... ۷

۱-۸- فلسفه ی علم اخلاق:

..... ۸

۱-۹- پژوهش‌های علم اخلاق

..... ۸

۱-۱۰-۱- اخلاق توصیفی

..... ۸

۱-۱۰-۲- اخلاق هنجاری

..... ۹

۱-۱۰-۲-۱- نظریه ی غایت‌گرا

..... ۱۰

۱-۱۰-۲-۲- نظریه ی وظیفه‌گرا

.....۱.۱.....	۱-۱۰-۲-۳- نظریه‌ی فرضی‌محمور
.....۱.۱.....	۱-۱۱- فلسفه‌ی اخلاق بی‌فرا اخلاق
.....۱.۲.....	۱-۱۱-۱- تقسیم نظریات در فرا اخلاق
.....۱.۲.....	۱-۱۱-۱-۱- نظریه‌های توصیفی
.....۱.۳.....	۱-۱۱-۱-۱- دیدگاه طبیعت‌گرا و نیه
.....۱.۳.....	۱-۱۱-۱-۲- دیدگاه شهودگرا و نیه
.....۱.۳.....	۱-۱۱-۱-۲- نظریات غیبی توصیفی (شناخت ناگرا)
.....۱.۴.....	۱-۱۲-۱- مکاتب سعادت و کمال
.....۱.۴.....	۱-۱۲-۱-۱- مکتب افلاطون
.....۱.۵.....	۱-۱۲-۲-۱- مکتب ارسطو
.....۱.۶.....	۱-۱۲-۲- مکاتب ترک دره
.....۱.۶.....	۱-۱۲-۲-۱- مکتب کلیون
.....۱.۶.....	۱-۱۲-۲-۲- مکتب رواقی
.....۱.۷.....	۱-۱۲-۳- مکاتب لذت‌گرا
.....۱.۷.....	۱-۱۲-۳-۱- لذت‌گرایی شخصی
.....۱.۸.....	۱-۱۲-۳-۲- مکتب اپیکور

.....۱۸.....	۱۲-۱-۳-۳- مکتب منفعت عمومی (سودانگاری)
.....۱۹.....	۱۲-۱-۴- مکاتب کلامی
.....۱۹.....	۱۲-۱-۴- معتزله
.....۲:.....	۱۲-۱-۴-۲- اشاعره
.....۲:.....	۱۲-۱-۵- مکتب عاطفه گرایی
.....۲:.....	۱۲-۱-۶- وجدان گرایی
.....۲.۱.....	۱۲-۱-۷- مکتب تکلیف
.....۲.۲.....	۲- فصل دوم: ماهیت و مباری اخلاق از نظر رهچه
.....۲.۳.....	۲-۱-۱- منشا ریک و بد
.....۲.۶.....	۲-۲- اخلاق سروران و اخلاق بردگان
.....۳:.....	۲-۳- ابرانسان
.....۳.۲.....	۲-۴- رابطه‌ی دین و اخلاق
.....۳.۷.....	۲-۵- چرخه‌ی ابدی بی‌بازگشت جاودانه
.....۳.۸.....	۲-۶- رهچه و نسبی گرایی
.....۴:.....	۲-۷- مباری اخلاقی رهچه
.....۴:.....	۲-۷-۱- فردگرایی

.....۴۲.....	۲-۷-۲- قدرتطلبی
.....۴۵.....	۲-۷-۳- طبعیتگرایی
.....۴۶.....	۲-۷-۴- هنر و زیبایی شناختی
.....۴۹.....	۳- فصل سوم: ماهیت و مبانی اخلاق از نظر علامه طباطبائی
.....۵:.....	۳-۱- تعریف اخلاق از نظر علامه طباطبائی
.....۵:.....	۳-۱-۱- تعریف لغوی اخلاق
.....۵۱.....	۳-۱-۲- تعریف اصطلاحی اخلاق
.....۵۲.....	۳-۲- قوای نفس، منشأ اخلاق فاضلهاوند
.....۵۳.....	۳-۳- مکاتب سه گانه اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی
.....۵۳.....	۳-۳-۱- مکتب عقلی (یونانی)
.....۵۴.....	۳-۳-۲- مکتب دینی عام
.....۵۴.....	۳-۳-۳- مکتب دینی خاص
.....۵۵.....	۳-۳-۱- ویژگی‌های مکتب قرآن
.....۵۵.....	۳-۳-۱-۱- اتکای بر توحید
.....۵۶.....	۳-۳-۱-۲- هدف اخلاق، ذات خداوند
.....۵۶.....	۳-۳-۱-۳- پیشگیری در سایه توحید

..... ۵۷	۴-۳-اعتبارت
..... ۵۸	۳-۴-۱- نحوه‌ی حصول ادراکات اعتباری
..... ۵۹	۳-۴-۲- معاری واژه‌ی اعتباری
..... ۶۰	۳-۴-۳- ویژگی‌های اعتبارت
..... ۶۱	۳-۴-۴- اقسام اعتبارت
..... ۶۲	۳-۴-۵- اعتبارت و نظریه‌ی غایت‌گرای
..... ۶۴	۳-۵- مطلق‌ی نسبی بودن اخلاق
..... ۶۷	۳-۶- فطری بودن اخلاق
..... ۶۹	۳-۷- تغییر اخلاق (خلقیات)
..... ۷۱	۳-۸- رابطه‌ی دین و اخلاق
..... ۷۱	۳-۹- مباری اخلاقی علامه طباطبایی
..... ۷۲	۳-۹-۱- عقل‌گرایی
..... ۷۳	۳-۹-۲- دین باوری:
..... ۷۴	۳-۹-۲-۱- ایتنای اخلاق بردی براساس ظاهر
..... ۷۵	۳-۹-۲-۲- ایتنای اخلاق بردی براساس باطن
..... ۷۶	۴- فصل چهارم: بررسی و مقایسه دو دین‌گاه

۱-۴- مسئله‌ی تعریف و ماهیت اخلاق

۲-۴- مسئله‌ی غایت اخلاق

۳-۴- رابطه‌ی دین و اخلاق

۴-۴- نسبی‌لی مطلق بودن اخلاق

نتیجه‌گیری

فهرست منابع و مآخذ

.....۷۸.....

.....۸:.....

.....۸۳.....

.....۸۷.....

.....۸۹.....

.....۹:.....

فصل اول

کلیات و تعاریف

انسان‌ها در سیر تاریخی زندگی خود، رفته رفته برخی چیزها را مهم و ارزشمند تصور کردند. تفکر ابتدایی انسان به این صورت وارد مرحله مفهوم سازی شد و مفهوم سازی موجب پدیدار شدن مفهوم خوبی و خیر و بدی و شر در ذهن انسان شد. و این گونه آدمیان به ساختن اصول اخلاقی و چارچوب دادن به آن پرداختند به طوری که هیچ جامعه ای خالی از یک سری اصول اخلاقی وجود ندارد. بنابراین بخشی از استعدادها و ابعاد وجود انسان همانا خلقیاتی است که باید انسان کسب کند. اخلاق، به عنوان استعدادی نهفته در وجود انسان است و برای آنکه انسان به کمال لایق خود برسد باید این جنبه از وجودش را نیز شکوفا سازد و این نوع کمال به واسطه یک سیستم اخلاقی میسور است. از این رو اخلاق صرفاً به عنوان یک موضوع عام مورد توجه قرار نگرفت بلکه؛ در میان فلاسفه نیز این مسئله، دارای اهمیت تلقی شده و فلاسفه بزرگی چون ارسطو، افلاطون و ... بدان پرداختند. از مهمترین مباحثی که در این حوزه محل بحث است، نسبی یا مطلق بودن اخلاق، رابطه دین و اخلاق، انشایی یا اخباری بودن گزاره‌های اخلاقی و ... می باشد. ما در این میان نظر نیچه و علامه طباطبایی را برای چنین موضوعی برگزیدیم و نظر هر دو فیلسوف را در مبانی و ماهیت اخلاق سنجیدیم. به همین

منظور این پژوهش را در چهار فصل ساماندهی کرده ایم و متناسب با هر سوال فرعی، یک فرضیه مطرح کرده ایم که در فصل دوم، سوم و چهارم را مورد بررسی قرار داده ایم. در فصل اول به کلیات شامل: تعریف اخلاق و پژوهش‌های اخلاقی، مکتب‌های اخلاقی پرداخته ایم و برای آشنایی با این مکتب‌ها یک دسته بندی ذکر کردیم و مختصری از مهمترین آراء آنها را بیان نمودیم. در فصل دوم ماهیت و مبانی اخلاق را از نظر نیچه بیان کرده‌ایم و مهمترین مباحث وی را در این باره مطرح کرده‌ایم. در فصل سوم به ماهیت و مبانی اخلاق از نظر علامه طباطبایی پرداخته‌ایم و مهمترین دیدگاه‌های وی را پیرامون این بحث به قلم در آورده‌ایم. در فصل چهارم نیز، دیدگاه دو فیلسوف را مورد بررسی و مقایسه قرار داده‌ایم. و سپس به نتیجه‌گیری مباحث مورد بررسی پرداخته ایم.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش:

الف: نیچه در مسئله اخلاق چه موضعی اتخاذ می کند؟

ب: دیدگاه علامه طباطبایی در باره اخلاق چیست؟

ج: دیدگاه دو فیلسوف فوق چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در زمینه این موضوع دارد؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش:

الف: نیچه نسبت به اخلاق دیدگاهی انتقادی دارد. وی معتقد است باید اخلاقی نو بر مبنای قدرت انسان بنیان گذاشت.

ب: علامه طباطبایی اخلاق را امری فطری و احکام اخلاقی را مفاهیمی مطلق می داند.

ج: دو فیلسوف به دلیل اختلاف مبانی دارای اشتراک نظر نمیباشند. نیچه با هرگونه نظام اخلاقی مبتنی بر دین مخالفت دارد، درحالی که علامه طباطبایی استخراج نظام اخلاقی از دین را امری ممکن می داند.

۱-۵- پیشینه‌ی پژوهش:

در راستای پژوهش حاضر، پایان‌نامه‌های زیر انجام شده بود:

- ۱- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد: "رابطه اخلاق و هنر از نظر نیچه" توسط آقای: میثم یزدی، دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنرهای مجازی.
- ۲- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد: "بررسی تطبیقی رابطه باید و هست از نظر دیوید هیوم و علامه طباطبایی" توسط خانم معصومه کوهگرد آبادی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۳- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد: "رابطه دین و اخلاق از نظر علامه طباطبایی" توسط آقای مسعود امید، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ۴- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد: "رابطه دین و اخلاق از نظر علامه طباطبایی و کانت" توسط خانم معصومه پارسا دانشگاه مشهد.
- ۵- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد: "اخلاق از نظر نیچه" توسط خانم مدینه تاتار، دانشگاه اصفهان.
- ۶- پایان‌نامه‌ی دکتری: "آرای اخلاقی نیچه در تاسیس مبانی جدید اخلاق" توسط خانم صفورا رهبری، دانشگاه تربیت مدرس.

اما در زمینه‌ی موضوع حاضر با عنوان "ماهیت و مبانی اخلاق از نظر نیچه و

علامه طباطبایی" پژوهش و تحقیقی انجام نگرفته بود، لذا مصمم شدم تا موضوع حاضر را بررسی و کنکاش نمایم.

۱-۶- ضرورت و اهمیت پژوهش

این پژوهش در نظر دارد تا ماهیت و مبانی اخلاق را از نظر دو فیلسوف صاحب نام، فریدریش

نیچه فیلسوف نحله اگزیستانسیالیسم و علامه طباطبایی فیلسوف حکمت متعالیه تبیین کند، چرا

که علم اخلاق یکی از شاخه‌های مهم فلسفه عملی است و شناخت ماهیت و مبانی آن نقش مهمی

در نگرش ما به فلسفه زندگی دارد. از نظر نیچه آنچه امروزه اخلاق نامیده می‌شود، زاییده تفکرات

و عقاید حاصل از دین و شریعت است. از نظر وی این عقاید مطرود و کهنه شده و فلاسفه باید

ارزش‌های اخلاقی جدیدی بسازند. بنابراین مبنای اخلاقی نیچه طبیعی و "مادی گرایانه" است.

اما علامه طباطبایی در این زمینه دیدگاهی الهی و "خداگرایانه" دارد. وی معتقد است که اساس

اخلاق، عشق و محبت الهی است و آن را بر اساس عقاید دینی توجیه می‌کند. بر این اساس ضروری

دیدیم تا این مسئله مهم را از دیدگاه این دو فیلسوف بررسی نماییم و با وجوه اشتراک و افتراق دو

دیدگاه آشنا شویم و تبیینی روشنتر از پیش بدست آوریم تا رهنمودی برای زندگی فردی و

اجتماعی ما در زمینه‌ی اخلاق به عنوان حوزه‌ی معرفتی مهم در حکمت عملی باشد.

۱-۷- اخلاق و علم اخلاق:

ریشه‌ی واژه‌ی اخلاق، کلمه‌ی خلق است که نزد اهل لغت به معنای "قوا و سجایایی است که با فطرت و دید دل درک می‌شود" (الراغب الاصفهانی، ص ۲۹۷). همچنین خلق به معنای صفت پایدار در نفس، یعنی ملکه نیز می‌باشد (مصباح، ص ۱۵). و اخلاق آن چنان که در کلام اهل لغت آمده است، به معنای "دانش بد و نیک خوی‌هاست" (دهخدا، ج ۵، ۱۰۲۸). توضیح این که اصطلاح اخلاق در دو معنا به کار می‌رود؛ گاهی مراد از این اصطلاح، همه صفات خوب و نیکو و صفات بد و ناپسند است. در معنای دوم اخلاق، صرفاً شامل صفات نیکو و فضایل می‌شود؛ مثل وقتی که ایثارگری را صفتی اخلاقی و عمل دزدی را صفتی غیر اخلاقی می‌دانیم (مصباح، ص ۱۶). علم اخلاق، دانشی است که فضائل و رذائل را برمی‌شمرد و راه‌های کسب فضائل و دفع و رفع رذائل را به ما می‌آموزد و تنها با افعال اختیاری انسان سرو کار دارد؛ چرا که امور غیر اختیاری متصف به خوبی و بدی نمی‌شود (غرویان، ص ۱۳). درحقیقت این علم می‌آموزد: خلق‌های نیکو و خوی‌های ناپسند کدامند، روش پیراستن نفس از خلق‌های ناپسند کدام است، روش آراستن نفس به سجایای پسندیده چیست؟ (شیروانی، ص ۱۰)

۱-۸- حکمت نظری و حکمت عملی

قبل از آنکه به بحث از اخلاق و فلسفه اخلاق به طور کامل پردازیم، لازم است توضیحی مختصر در باب حکمت، تقسیمات و شاخه‌های آن ارائه دهیم تا جایگاه اخلاق در این تقسیم بندی مشخص گردد. توضیح اینکه در گذشته فلاسفه و حکما، حکمت یا به عبارتی معرفت را به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌کردند و هر کدام از این دو شاخه معرفت را مقسم برای علوم دیگر قرار می‌دادند. حکمت نظری معرفتی است که از "هست‌ها" و "است‌ها"، سخن می‌گوید و مسائل آن از